

فریاد در گلو فشرده فلسطینیها

(لوموند دیپلوماتیک - دسامبر ۸۷)

پایانی در کار نیست

(مجله تایم ۲۵ ژانویه ۸۸)

چرا ساف برای ما حیاتی است؟

(جین هیئر، مجله الهدف، ژانویه ۸۸)

ترجمه و تنظیم از :

دانشجویان ایرانی در فراغسه هوادار سابق سازمان بیکار ۰۰۰



عکس از مجله الیوم السابع ۸ فوریه ۱۹۸۸

یکی از هزاران کودک فلسطینی که سنگ در دستشان حکم کلاشینکف را دارد...

پشه چو پُرشد بزند بیل را با همه سختی و صلابت که اوست
 مورچگان را چو بود اتفاق شیرزبان را بدرانند پوست
 (سعدی)

مبارزه زحمتگشان و ستمدیدگان فلسطینی تجربه
تازه‌ای آفرید: کودکان سنگ انداز، که حماسه
روزمره‌شان زبانه‌زد رسانه‌های گروهی است.

کودکان سنگ انداز

از: نزار قبانی شاعر عرب
ترجمه: س. رهرو

دنیا را خیره کردند،
با اینکه در دستشان جز سنگ چیزی نیست.
چون شپجراغ افروختند و مزده آوردند
مقاومت کردند، چون بمب منفجر شدند و شهید گشتند.
و ما بمان خرسهای قطبی
— که کالبدشان در برابر حرارت مصونیت یافته باشد —
همچنان یخزده باقی ماندیم.
آنان بجای ما بیکار کردند تا آنگاه که به خاک افتادند
و ما در قهوه‌خانه‌ها لم دادیم و مزمره‌کنان بیف بیف کردیم.
از ما یکی بدنبال سوداگری خویش است
یکی در جستجوی یک میلیارد دلار دیگر

وازدواج چهارم

وسینه‌های سرسره‌ین

یکی در لندن کاخی سربلک کشیده را می‌جوید
یکی دلال اسلحه است
یکی در کاپاره‌ها از حریفش انتقام می‌گیرد
و دیگری بدنبال تاج و تخت، ارتش و حکومت است.

آه... ای نسل خیانتها

ای نسل پول پرستی‌ها

ای نسل تنفاله

و ای نسل هرجائی

سرانجام، کودکان سنگ انداز

— هر چند تاریخ به کسبی حرکت کند —
ترا در زیر پا لگد مال خواهند کرد.

فلسطین : مبارزه ای که نمیتوان آنرا به بند کشید

از حدود دهم دسامبر، تظاهرات توده های بجان آمده فلسطینی در سرزمینهای اشغالی و درگیری آنها با پلیس و ارتش اسرائیل و کشته شدن دهها نفر از مردم حق طلب این سرزمین، روی تلکس خبرگزاریهای جهان است. ملتی که مبارزه ضد استعماری خستگی ناپذیری را در پیشینه خود دارد و بیش از پنجاه سال پیش (۱۹۳۶) خاطره يك اعتصاب عمومی ۶ ماهه را آفریده است،

— مردمی که مورد هرستم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی که قرار گرفته اند و با هرنوع سرکوب وحشیانه و هرگونه توطئه خائنانه ای که روپرو شده اند، راههای سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی مقابله با آن را نیز آزموده و به پیش برده اند،

— ملتی که ۴۰ سال است جنگال رزمی مبتنی بر دین و نژاد و مجهز به پشتیبانی امریالیسم حلقومش را می فشارد،

— ملتی که بیست سال است جاذگ روشن ۱۹۶۷ را پشت سر گذارده و هیچ قدرت مؤثری جهت تجاوزگر به یاری او برنخاسته است،

— ملتی که هیچیک از راههای فشار بر دشمن و احقاق حق خودسرانه به هیچ بهانه ای رها نکرده و همزمان باهم مبارزه مسالمت آمیز و قهرآمیز، مخفی و علنی، سیاسی و نظامی، توده ای و انفرادی، دیپلماتیک و فرهنگی و اقتصادی را با درایت و پختگی قابل توجه به پیش برده است،

— ملتی که علیرغم منتهای تنگت و برآکندگی که به او تحمیل شده ببرکت مبارزات خود، سازمان سیاسی و تنها نماینده قانونی خود (سازمان آزاد بیخشن فلسطین) را به جهانیان و مؤسسات بین المللی قبولانده است،

— ملتی که از هر سو خواسته اند او را بار باره کتفد و به رسمیت نشناسند، اما در شرایط عینی محروم بودن از یک وطن و اشغال و تجاوز روز موه، وحدت خود را جهت تعیین سرنوشت خویش در عاترین چارچوب خود حفظ کرده است، آری چنین ملتی باز هم ثابت میکند که مشعل مبارزه انقلابی علیه اشغالگران اسرائیلی و امریالیستها و مترجمین را روشن نگه داشته است.

در آستانه بیست و سومین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه فلسطین (اول ژانویه ۱۹۶۵)، اوجگیری کم سابقه تظاهرات اعتراضی در داخل اسرائیل علیه اشغالگران نشانگر شرایط نوینی است که در

منطقه پدید آمده و می‌آید :

— دیگر نمی توان سرنوشت این ملت را نادیده گرفت ، دیگر نمی توان مثل رژیمهای موجود عربی یا رژیم خمینی ، فلسطین را وجه المصلحه منافع خود قرار داد ، دیگر نمی توان به بهانه دشواری شرایط مبارزه به "کوتاه آمدن " اسرائیل و امریالیستها امید بست که حق این ملت را رعایت کنند و برای اوحقوق انسانی قائل شوند ، دیگر نمی توان غیر مسؤلانه به بهانه عدم نضج مبارزه طبقاتی و به این بهانه که در رهبری این جنبش ، طبقه کارگر قرار نگرفته از حمایت از مبارزه ایمن ملت سر باز زد و یا از خارج کود برای او نسخه نوشت که این کار را بکن و گرنه از تو نباید حمایت کرد .

بنظر ما بسیاری از موانع که در راه نضج مبارزه طبقاتی در کشورهای عرب قرار گرفته ناشی از حل نشدن مسأله ملی و مهمتر از همه وجود اسرائیل یعنی همین استخوانی که لای زخم خاورمیانه مانده میباشد . ارتجاع منطقه از همین مسأله ملی برای سرپوش گذاشتن بر مبارزه طبقاتی داخلی و سرکوب آن بسیار استفاده کرده است و حالا " صدور انقلاب اسلامی " با مسأله آفرینی شایسته خواهد سرپوش دیگری که عبارت از تفرقه بر اساس مذاهب باشد بآن علاوه نماید .

بیشبرد مبارزه ملی ولاتیک خلق فلسطین شرط مقدم رشد مبارزه طبقاتی در فلسطین و در برخی دیگر از جوامع عربی است؛ بدون اینکه این دو مبارزه از یکدیگر قابل تفکیک باشند .

ما از حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و مبارزات او بهخصوص در این روزها که در برابر سرکوب شدید قرار دارد ، پشتیبانی می‌کنیم و همه مبارزان ایرانی را به چنین پشتیبانی اصولی فرا می‌خوانیم .

دانشجویان ایرانی در فرانسه

(هوادار سابق سازمان بیسکار) ۸۷/۱۲/۲۴

هدف ما: از انتشار این جزوه :

اولاً همصدا شدن با ملت فلسطین و بویژه توده های زحمتکش آنست که امروز مبارزات چند ده ساله خود علیه غاصبان اشغالگر و در راه نیل به حق تعیین سرنوشت را به اوج خود رسانیده اند، بطوریکه امروز پرژواک مقاومت قهرمانانه این مردم و فریاد مظلومیتشان بناگزیر در همه رسانه های گروهی جهان حتی خود اسرائیل و آمریکا طنین انداز است. برای آنها که به آرمان کمونیسم اعتقاد دارند، آزادی انسانها از هر گونه ستم طبقاتی، ملی و فرهنگی و... در هر جای جهان که باشد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بهمین دلیل مبارزه ملت های ستمدیده در راه تحقق سرنوشت خویش و حمایت از آن، جزئی جدایی ناپذیر از مبارزه انترناسیونالیستی کارگران و کمونیستهاست.

هدف دیگر ما نشان دادن اهمیت و گسترش این مبارزه ملی و نقش سازمان آزاد پیشرو فلسطین بعنوان دستاورد و ثمره سیاسی این مبارزات و اهمیت تعیین کنندگان آن در رهبری این مبارزه ملی است.

ما این صفحات را صرفاً بعنوان اسناد ارائه میدهم باین امید که مبارزان ایرانی با توجه به چنین اسنادی که از برکت مبارزه آگاهانه مردم فلسطین و شکسته شدن نسبی توطئه سکوت در همه مطبوعات دنیا نمونه هایش را میتوان یافت، با خواست حق طلبانه این ملت بیش از پیش همصدا شوند و دشمنان این ملت از صهیونیسم

و امپریالیسم گرفته تا ارتجاع شوینیستی عرب و ارتجاع مذهبی خمینی را افشا کنند و
به این بهانه که فلان اقدام از بهمان رهبر فلسطینی برای ما قابل توجیه نیست،
سکوت را بر فریاد ترجیح ندهند .

دانشجویان ایرانی در فرانسه - هوادار سابق سازمان

پیکار ۰۰۰ / ۵ / فوریه / ۱۹۸۸

فریاد در گلو فشرده فلسطینیها

لوموند د پیلوماتیک - د سامبر ۸۷

— سرکوب قیام فلسطینیها، د سرزمینهای اشغال —

شده توسط اسرائیل، اعتراضاتی را در سراسر جهان

برانگیخته است. شورای امنیت سازمان ملل متحد

خود را با ابراز "تأسف" راضی کرده است که فرمول

مورد توافق است بدون باسیاسی. آنها اهاالی

فلسطین که در تظاهرات انبوه خود این سرکوب را،

شجاعانه به مصاف طلبید هاند پیام دیگری را فریاد

میکنند: نابسامانی زندگی و تیرگی آینده شان پس

از ۲۰ سال اشغال از یکطرف و خطرات جدی

که آنها را تهدید میکند از طرف دیگر، آنها هم

در حالیکه جنگ خلیج انظار عمومی را از توجه به

سرنوشت آنها منحرف کرده است.

تظاهرات فلسطینیها در سرزمینهای اشغالی هرگز چنین انبوه نبوده و هرگز قیام

کنندگان از مرد و کودک — در برابر سربازان مسلح و مأمور سرکوب، با چنین

جسارتی به مقابله بر نخاسته اند . تا شب عید نوئل ، آمار کشتگان ۲۰ نفر، زخمی ها ، ۲۰۰ و دستگیر شدگان چند هزار بطور رسمی اعلام شده است . بازداشتگاههای جدیدی با عجله بوجود آمده و شمار دادگاهها، چند برابر شده است (تا امروز اول فوریه از ۴۰ متجاوز است.م.)

برای آرام کردن تظاهرات چیزی جز مشت آهنین در میان نیست . چه باید کرد؟ آبا ابا بن رئیس کمیسیون امور خارجه پارلمان اسرائیل اعتراف میکند که : " زمان علیه ما، کار میکند . این مسأله راه حل نظامی ندارد " و توصیه می کند که " باید نهایت تلاش را بکار برد و مانع موج جدید تظاهرات شد . "

بعدها ، شاید ، " حزب کار " (۱) به کوشش مجددی برای انعقاد یک کنفرانس صلح در خاور میانه دست بزند اما در حال حاضر همراه با " حزب لیکود " (۲) در کابینه اتحاد ملی شرکت دارد . مقامات دولتی اعلام کرد مانده که مصمم به تشدید سرکوب هستند " حتی اگر به تصویری که جهان از اسرائیل دارد لطمه وارد سازد . " با وجود این ، استثنائی که در این تصمیم وجود دارد ، متعلق است به ازروایزمن وزیر - مشاور کابینه فعلی و از حزب کار . روزنامه معاریو مورخه ۲۳ دسامبر ۸۷ از قول او نوشته است : " ریشه درد از آنجاست که ما، نه برای مسأله فلسطین ونه برای اعراب اسرائیل (۳) که در شرایط بدی بسر می برند راه حلی نداریم که ارائه دهیم . سابقا " وقتی من این مسأله را مطرح کردم بمن گفتند " ساکت شو . تو یک محمد دیگر هستی (۴) ، تو یک بد خواه هستی " و حالا ما نتایج اش را می بینیم "

در برابر ۲۰ سال سرسختی اسرائیل، در برابر وقت‌گذرانی‌های دیپلماتیک که انعقاد کنفرانس صلح خاورمیانه را، به عقب می‌اندازد فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی (ساحل غربی و غزه) نومید شدند. جنگ خلیج همه توجه سران عرب را، به خود مشغول داشته و انقلاب آن‌ها را در کنار آمریکا به حمایت از عراق کشانده است. آخرین اجلاس کنفرانس سران عرب که از ۸ تا ۱۱ نوامبر در عمان (اردن) برپا بود، برای اولین بار، جنگ اعراب و اسرائیل را تا حد موضوع دوم دستور جلسه تنزل داد و حیطه فعالیت سازمان آزاد بیخ‌فلسطین بیش از پیش محدود گشت. ۰۰۰ هیچ‌یک از این مسائل از چشم "فلسطینی‌های داخل" مخفی نمی‌ماند و به همین دلیل نباید تعجب کرد که قیام از غزه و ساحل غربی رود اردن آنهم درست یک ماه پس از اجلاس مزبور، آغاز شده است.

سالیان دراز است که شرایطی انفجار آمیز بر سرزمین‌های اشغالی که در آن ده ملیت در وضعی کاملاً نابرابر بسر می‌برند حکمفرماست. شصت هزار کلان (استعمارگر) یهودی از کلیه حقوق شهروندی اسرائیل برخوردارند در حالیکه یک میلیون و پانصد هزار عرب تحت اشغال نظامی نگه داشته شده و از هرگونه حق بویژه حق انتخاب شهرداران خود محروم‌اند، برای هر یک از این دو جامعه ملی قانون وعدالت جداگانه ای وجود دارد.

دادگاه‌های فلسطینی‌ها، تقریباً هیچ قدرتی ندارند و صلاحیت آن‌ها در حد رسیدگی به اختلافات همسایه‌ها، محدود شده است. علاوه بر این، احکام دادگاه‌های

نظامی اسرائیل قابل تجدید نظر نیست و بر اساس دستورات نظامی که تابع هیچ کنترل پارلمانی نیست صادر می شود ، شرایطی از نوع آنچه در آفریقای جنوبی وجود دارد .

روزنامه اسرائیلی ها، دا شوت که خوانندگان فراوان دارد در سرمقاله خود —
اوضاع انفجار آمیزی را، که مردم این منطقه در آن بسر می برند اینچنین توصیف می کند :
” غزه به ” سویتو ” شباهت دارد با وضعی شاید بدتر . اینجا منطقه ای است
پر جمعیت و فقیر که اهالی آن در شرایط وحشتناک بسر می برند . آنها کینه را —
تجربه کرده اند و امید ندارند . دلیل زنده بودن آنها درگیری با کلن هـ —
(استعمارگران) و سربازان ارتش اسرائیل است . ” اسرائیلیهای دیگری درباره
غزه میگویند این يك بمب ساعتی متشکل از آدمهاست . خود نظامیها هم ، وضع غزه
را با سویتو مقایسه می کنند . (روزنامه اسرائیلی ها آرتز ۱۳ دسامبر)

حتی قبل از تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ . در تظاهرات
خشونت آمیزی که در مناطق اشغالی رخ میداد ساحل غربی صحنه اصلی درگیری
محسوب می شد اما این بار بمحض شروع ناآرامی های ماه دسامبر بین دو منطقه
ساحل غربی و غزه هماهنگی ایجاد گشت . شرایط معیشتی برای اهالی غزه که در آن
حوادث منجر به قتل ، طی چندین ماه گذشته چند برابر شده ، از اینهم فاجعه
آمیزتر است . ۶۳۶ هزار نفر در این باریکه زمین که ۲۴۰ کیلومتر مربع وسعت دارد —
تلنبار شده اند که بیشترین حد از تراکم جمعیت دنیا است .

بنا بر آمارهای رسمی، جمعیت فزه در سال ۲۰۰۰ از يك مليون تجاوز خواهد
 کرد (۵) در حال حاضر ۵۹/۱ درصد اهالی غزه کمتر از ۱۹ سال دارند یعنی
 دوسوم جمعیت در شرایط اشغال بدنيا آمد مانند، آنوقت در وسط این دریای
 محرومین، حدود ۲۵۰۰ نفر از کلن های اسرائیلی زندگی مرفهی دارند و همینها
 بقول روزنامه هاداشوت، سرچشمه ناآرامی ها، وکینه تیزی ها هستند. همین تعداد
 اندک از کلن ها مالکیت ۲۸ درصد از اراضی عمومی را درازاهستند وهریک از آنها
 سالانه ۲۷۶۰۰ متر مکعب آب در اختیار دارد در حالیکه به فلسطینی ها بطور سرانه
 وسالانه جز ۲۰۰ متر مکعب آب نمی رسد، آبی که باید بهای آنرا هم برابرگزانتر
 بپردازند چرا که از سوپسید سازمان صهیونیستی نمی توانند استفاده کند.
 در آنجا امکانات توسعه اقتصادی عملاً وجود ندارد. هر روز صبح زود حدود
 ۶۰ هزار نفر از کارگران غزه برای فروش نیروی کار خود به اسرائیل می روند و مجبور
 هستند بخاطر الزامات امنیتی دولت یهودی - شب به خانه خود برگردند.
 در برابر این "بمب ساعتی" رهبران حزب لیکود هیچ راه حلی جز شدید سرکوب
 ارائه نمیدهند و حزب کار هم در این باره با آن ها همنظر است. اما کسان دیگری
 هم هستند که حاضرند خود را از این بار سنگین رها سازند. پیشنهاد سری به مصر
 مبنی بر اینکه غزه را مجدداً تحت کنترل خود قرار دهد (۶)، براین اساس مطرح
 شد که البته مصریها آنرا بطور کامل رد کردند.

شیمون پروزیر خارجه اسرائیل، در تاریخ ۷ دسامبر، پیشنهادی در برابر

کمیسیون روابط خارجی و دفاع پارلمان اسرائیل مطرح کرد که کاملاً " مبهم بود . او
 پیشنهاد کرد که این منطقه غیر نظامی شود علاوه بر این شخصیت‌های دیگری از حزب -
 کار که از " کبوترها " محسوب می‌شوند تأیید می‌کنند که اسرائیل راهی دیگر جز
 " رها کردن " غزه ندارد . برخی از روزنامه نگاران مانند ژنیف شیف کارشناس امور
 نظامی روزنامه مستقل هاآرتز نیز همین نظر را دارند . او می‌نویسد : " روزی خواهد
 رسید که ما التماس کنیم تا یکی بیاید و نوار غزه را با همه درد سرهایی که برای ما دارد از
 ما تحویل بگیرد . " (هاآرتز ۱۳ دسامبر)

ســـرکـــوی بیش از پیش خشن تر!

بنظر اسحاق رابین وزیر دفاع کابینه اتحاد ملی (از حزب کار) ، قبل از نشست
 بر سر میز مذاکره درباره سرزمینهای اشغالی باید د اقدام احتیاطی عملی گردد ،
 از یکطرف سطح زندگی اهالی این مناطق بالاتر برود و از طرف دیگر " اقدامات
 تنبیهی " علیه " آشوبگران " تشدید شود . تا آنجا که به اختیارات او مربوط می‌شود
 یعنی در مورد اعمال سرکوب در سرزمینهای اشغالی ، وزیر دفاع تصمیم خود را نشان
 داده است زیرا بیش از ۲۰ نفر از تظاهر کنندگان فلسطینی در نتیجه تیراندازی
 قوای دولتی کشته شده‌اند . اما این خشونت نظامی چیزی جز تأیید گزاشی که
 از تابستان ۸۴ و همدزمان با تشکیل کابینه اتحاد ملی در وزارت دفاع شروع شده نیست .

از آن زمان بپعد سرکوب خشونت بازتر شده است . آمارى که اخيرا^۲ منتشر شده (روزنامه اسراییلى داوار ۱۵ دسامبر ۸۷) نشان میده که برای مثال تحت حاکمیت حزب لیکود، (از ۷۷ تا ۸۴) تنها موارد معدودی از بازداشت بدون دادگاه وجود داشته در حالیکه تنها در سال ۱۹۸۷ تعداد ۲۰۵ نفر از فلسطینیها بدون رأی دادگاه زندانى شده و در کنار قریب ۵ هزار تن که طی سالهای گذشته بعنوان فعالیت علیه اشغالگر محکوم به زندان گشتهاند، قرار دارند . اخراج (از فلسطین) هم بسیار بیشتر بوده . ژنرال رابین در پاسخ به انتقادات دست راستی ها با خود ستائی اظهار داشت : " من فلسطینیها را سه برابر شما، لیکودیهها، اخراج کردم . " (هاآرتز ۱۳ دسامبر ۸۷) .

مثال دیگر : در سال ۸۷، دو یست ساختمان در سرزمینهای اشغالی توسط قوای دولتی با دینامیت منفجر شده در حالیکه تعداد این تخریبها در دوره حاکمیت حزب لیکود هرگز از ۲۰ مورد در سال تجاوز نمیکرد .

چیزی که، در عوض از ابتدای اشغال در ۱۹۶۷ تغییر نکرده سیستم اعمال

شکنجه است که توسط نیروهای ویژه امنیتی اسراییل اجرایی شود .

یک کمیسیون دولتی مأمور تحقیق موسوم به کمیسیون "لاند و طی" گزارشی که در اکتبر ۸۷ منتشر شده وجود چنین اعمالی را که سالهاست شدیدا^۳ مورد تکذیب قرار داشته،

تأیید می نماید .

بر اینها، ترازوی دها، هزار تن از خانواده ها، را که یکی از افرادشان در خارج بصری برد وحق بازگشت نزد خانواده خود (در ساحل غربی و غزه) را ندارند باید افزود . این سیاست بیانگر خواست مقامات اسرائیلی جهت تقلیل تعداد فلسطینی های ساکن سرزمینهای اشغالی است در حالیکه هر یهودی که مایل به سکونت در همین مناطق باشد، خود بخود از حقوق يك شهروند اسرائیلی بطور کامل برخوردار خواهد شد .

از اینها بدتر طرحهای مربوط به جمعیت این مناطق است . بحثی در برخی از محافل اسرائیلی بر سر پیدا کردن يك "راه حل رادیکال" برای مسأله فلسطین بمیان آمده که بسیار عجیب است و بر "انتقال" (اصطلاحی است دیپلماتیک تا کلمه اخراج یا، در واقع تبعید بکار گرفته نشود) اهالی مناطق اشغالی به کشورهای عرب مبتنی است . این از نوع حرفهای که افراطیون دست راستی اخبار گسیخته مانند مائیرگهان می زنند نیست . اولین کسی که فکر تخلیه مناطق اشغالی از اهالی آنرا مطرح کرد ژنرال بازنشسته رهاوان زئیف، رئیس موزه تاریخ و مردم شناسی اسرائیل بود که در يك جلسه عمومی در ژوئیه گذشته چنین آیدهای رابه زبان آورد . بعداً این نظر در افکار عمومی هم انعکاس یافت و از طرف معاون وزارت دفاع میکائیل دکل و مائیر گاهن آدیدوف عضو لیکود و نیز برخی از رهبران حزب دست راستی "هائنه هیپا" تکرار گردید .

بنابر نظرخواهی‌های هائی که از افکار عمومی بعمل آمده تعداد زیادی از اسرائیلی‌ها، از پیشنهاد "انتقال" فلسطینی‌ها، پشتیبانی می‌کنند. بنا بر یک نظرخواهی ۴/۵۰ درصد از افراد مورد پرسش، رأی مساعد به این پیشنهاد دادند (روزنامه هاداشوت ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۷). نظرخواهی دیگری نشان می‌دهد که ۵/۳۱ درصد موافق و ۶/۲۵ درصد مردند (معارف ۲۹ اکتبر ۸۷). اسحاق شامیر نخست وزیر و رهبر لیکود که انعقاد یک کنفرانس صلح بین المللی را امری "عجیب و موحش" نامیده بود حاضر نشد چنین تعبیری را در مورد پیشنهاد "انتقال" یکا بر برد و گفت: "مهم نیست. برای نظرات مختلف همیشه جا وجود دارد." اما ژوزف شاپیرا، وزیر مشاور و عضو یک حزب کوچک مذهبی، نسخه دیگری را برای حل این "مسأله جمعیت" پیچیده است: "به هر فلسطینی ساکن اسرائیل ۲۰ هزار دلار داده شود تا مهاجرت کند."

دو نوع شهروند

تعداد شهروندان عرب تحت حاکمیت دولت اسرائیل (غیر از نوار غزه و ساحل غربی) ۶۵۰ هزار نفر است که مطمئناً "اقلیت قابل توجهی یعنی ۱۷ درصد کل جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. اعتصاب عمومی ای که در ۲۱ دسامبر بعنوان اعتراض علیه سرکوب قیام مردم مناطق اشغالی و جهت ابراز همبستگی با برادران این مناطق باجرا در آمد نمی‌تواند نگران کننده نباشد. و تازه این اولین بار نیست که

آنها حمایت خود از حقوق ملی فلسطینیها را ابراز می‌دارند . پس از اولین
” روز سرزمین ” (۳۰ مارس ۱۹۷۶ که روز همبستگی با میهن اعلام شد) که در آن
در درگیری با نیروهای اسرائیلی منجر به ۶ کشته بین اعراب اسرائیل گردید، این
روز، خود به مناسبتی تبدیل گشته که در همه این مناطق تظاهرات برپا شود .
وانگهی از بین رفتن مرزها بین اسرائیل و ساحل غربی در سال ۱۹۶۷ موجب شد که
ارتباط بین فلسطینی های مناطق سال ۴۸ و ساحل غربی که در نتیجه برپا شدن -
دولت اسرائیل قطع شده بود ، مجدداً برقرار گردد . علاوه بر این ، شهروندان عرب
اسرائیل نیز برای کسب برابری حقوقی با اکثریت یهودی ، مبارزه می کنند بی آنکه
خواستار جدائی از آن باشند . شعار ” ما برابری می خواهیم ” شعار اعتصاب عمومی
روز ۲۴ ژوئن گذشته بود - که اولین اعتصاب در نوع خود بود - و در اعتراض به
وجود تبعیض بین دو جامعه یهودی و عرب صورت گرفت . علیرغم آنکه اعراب اسرائیل
نمایندگانی به پارلمان می فرستند اما هیچ نمایندگی نه در هیأت دولت و نه در دیوان
عالی کشور ندارند . همچنین هیچ مدیترکلی که عرب باشد در یک وزارتخانه وجود -
ندارد و نه هیچ سفیری در سفارتخانه ای اعراب ، برخلاف درزیها ، از خدمت نظام
دورنگهداشته می شوند .

روستاهای اعراب اسرائیل از بودجه ای کاملاً کمتر از شهرک های یهودی
برخوردارند و مالیاتی که یهودیان برای بیمه های اجتماعی و غیره می پردازند کمتر
از اعراب است . علاوه بر این ها ، از چند سال پیش به اینطرف ، اعراب اسرائیل

در معرض تجاوزات فزاینده افراطیون دست راستی قرار دارند که فریاد میزنند :
” عربها، گورتان را گم کنید ! “ بنظر افراطیون دست راستی ، راسیسم بویژه وقتی
بروز میکند که بین اعراب و یهودیان ازدواجی صورت گیرد هر چند چنین ازدواجی
فراوان نیست .

با وجود این ، سرنوشت شهروندان عرب اسرائیل با سرنوشت فلسطینی های
سرزمینهای اشغالی قابل مقایسه نیست ، زیرا علیرغم نگرانی وزیر دفاع که می خواهد
با بهبود وضع زندگی اهالی ساحل غربی و غزه شرایط مذاکره با آنان را فراهم نماید ،
سطح زندگی در این مناطق اشغالی بسیار پایین است .

مجموعه مناطق اشغالی یعنی ساحل غربی و غزه را اگر در نظر بگیریم تولید
ناخالص ملی سالانه برای هر فرد ۷۵۰ دلار است در حالیکه در اسرائیل به ۵۲۰۰
دلار می رسد . در این مناطق ، اقتصاد بطور کامل وابسته به اقتصاد اسرائیل
است . سرمایه گذاری بندرت صورت می گیرد . ایجاد مؤسسات اقتصادی فلسطین باید
با ضمانت مقامات اسرائیلی باشد . اسرائیل نمی خواهد در این مناطق زیربنای
اقتصادی ای بوجود آید که روزی برفع يك دولت فلسطینی تمام شود . اخیراً فعالیت
مهمترین موسسه فلسطینی در سرزمینهای اشغالی ، یعنی شرکت تولید برق اورشلیم
محدود گشته و از دسامبر ۸۷ ببعد دیگر نمی تواند برق مورد نیاز بخش اسرائیلی
اورشلیم یا شرکتهای یهودی نشین ساحل غربی را تأمین کند زیرا به شبکه سراسری –
برق اسرائیل پیوسته اند .

در حالیکه برنامه توسعه در سرزمینهای اشغالی بطور خاص کلنی های -

یهودی (مستعمرات) که از ۱۹۶۷ بپس برپا شده اند شامل می شود ، اما ساحل غربی و غزه بازاری شبه انحصاری برای کالاهای اسرائیلی هستند . تقریباً مجموع بخشهای صنایع غذایی و پوشاک در دست پنج شرکت بزرگ اسرائیلی است . تجارت سالانه بین اسرائیل و سرزمینهای اشغالی نشان میدهد که اسرائیل ۵۰۰ میلیون دلار بیشتر از آنچه خریده ، به این مناطق فروخته است (ارقام مربوط به سال ۱۹۸۶) . مبلغی معادل ۱۸۸ میلیون دلار هم بعنوان انواع مالیاتها از این مناطق اخذ شده در حالیکه سرمایه گذاری ، سهم دولت در تأمین بودجه و سوسپسید قیمت مواد غذایی بیش از ۸۵ میلیون دلار نیست یعنی (فقط از همین راه) ۱۰۳ میلیون دلار بِنفع بودجه اسرائیل تمام شده است . سود حاصل از نیروی کار ارزان متعلق به حدود ۱۲۰ هزار کارگر فلسطینی که بخاطر عدم امکان کار در مناطق اشغالی ، برای کار به اسرائیل می روند را باید به سودهای فوق العاده نصیب مجموع دستگاه اقتصادی اسرائیل می شود علاوه نمود .

اما اگر امروز توده های فلسطینی بصورت انبوه از مرد وزن و کودک به خیابان

می ریزند تا با سربازان مسلح درگیر شوند علت اینست که به شکایتی که از دست اشغالگران اسرائیلی دارند یأس از جهان عرب نیز اضافه شده است . جنگ ایران و عراق انظار را از مسأله فلسطین منحرف می کند (۷) . هر چند بیانیه نهائمی کنفرانس اخیر سران عرب در عمان مجدداً تأکید می کند که سازمان آزادی بخش -

فلسطین تنها نمایندۀ مردم فلسطین است اما کشمکش اعراب و اسرائیل بعنوان
 مسأله‌ای درجه دوم تلقی شده است. سوریها وارد نیما، هر کدام به دلایل
 مخصوص بخود، کوشید هاند سازمان آزاد بیخشن فلسطین را. " سر جای خود بنشانند."
 اردن با همکاری مقامات اسرائیلی عناصر طرفدار در سرزمینهای اشغالی
 را که شدیدا " منزوی شد هاند - بسیج کرد تا علنا " وفاداری خود به ملك حسین
 را در آستانه انعقاد کنفرانس سران عرب اعلام کنند. در پاسخ به این اقدام
 مؤسسات فلسطینی سرزمینهای اشغالی بیانیه‌ای را سریعاً " انتشار دادند و در آن
 حمایت غیر مشروط خود از سازمان آزاد بیخشن فلسطین را اعلام نمودند امری که خود
 عکس العمل فوری اسرائیل را بدنبال آورد و روزنامه الفجر را بخاطر اینکه بیانیه مزبور
 را انتشار داده بود ب مدت یک هفته توقیف نمود. فلسطینی های ساحل غربی و غزه نیز
 که مانند همه ملل استعمارزده، شدیدا " سیاسی هستند، در شرایطی که تلاش
 برای دفن قضیه فلسطین چند برابر شده است، با ریختن دستجمعی به خیابانها
 موجودیت خود را به جهان نیان یادآوری میکنند.

آمنون کاپولیوک*

* نویسنده لوموند که خود یهودی است. م.

پاورقی ها :

(۱) حزب کار برهبری شیمون پرز عضو انترناسیونال سوسیالیست است . پرز فعلا " وزیر خارجه اسرائیل است . (م)

(۲) حزب لیکود برهبری اسحاق شامیر ، بارها در قدرت بوده و شامیر فعلا " نخست وزیر است . (م)

(۳) منظوره اعراب منطقه اشغال شده در سال ۱۹۴۸ است که پایه تأسیس دولت اسرائیل شد . (م)

(۴) این يك دشنام است ، مثل مسلمانها که یهودی بودن را دشنام تلقی می کنند .

(۵) تعداد یهودیان در اسرائیل در مناطق اشغالی در سال ۲۰۰۰ به ۴/۲

ملیون نفر خواهد رسید که در برابر آن تعداد اعراب فلسطینی (داخل) ۳/۵ -

ملیون خواهد شد . اما در سال ۲۰۱۰ جمعیت هر دو جامعه یهودی و عرب از لحاظ

تعداد مساوی خواهند گشت .

(۶) غزه از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ توسط مصر اداره می شد بدون آنکه جزء این

کشور تلقی شود . (م)

(۷) رجوع شود به مقاله آمون کاپولیک : " اسرائیل چگونه از يك جنگ طولانی

شده استفاده می کند " لوموند دیپلوماتیک - اکتبر ۸۷

پایانی در کار نیست

(بخشی از مقاله تایم - ۸۸/۱/۲۵)

۰۰۰ فلسطینی‌ها، در سرزمین‌های اشغالی تقریباً بطور کامل از حقوق خود محرومند . تمام شهرداران توسط اسرائیل منصوب می‌شوند، در حالیکه ۱۷ هزار کارمند این شهرداریها، همگی عربند . اسرائیل دو بار هم در سال ۷۲ و هم در ۷۶ کوشید که انتخابات، شهرداریها را، چنان برقرار سازد که منجر به اعطای خودگردانی به مردم ساحل غربی گردد، ولی فلسطینی‌ها، با انتخابات کاندیدهای معرفی شده توسط سازمان آزادیبخش (۱) ، طرح اسرائیل را، نقش بر آب نمودند . در سال ۱۹۷۶ لیست کاندیداهای ساف چنان پیروزی‌ای را، کسب کردند که تمام شهرهای بزرگ بدست آنان افتاد . اسرائیل در پاسخ، برخی از این انتخابات را، باطل اعلام کرد و بعضی از کاندیداهائی را، که بر خلاف میل او برنده شد، بودند از فلسطین تبعید نمود . (۲)

امروزه اکثریت، فعالیتهای سیاسی در سرزمینهای اشغالی ممنوع و عضویت در سازمان‌های سیاسی شدیداً محدود است . این امر خود زمینهای برای گسترش، هسته‌های مخفی ناسیونالیست‌ها، مذهبی است . همراه با این محدودیتهای سیاسی سانسور مطبوعات و کتابها، نیز جریان دارد . هفته گذشته دولت اسرائیل ۶ روزنامه‌نگار را، توقیف و دو نفر از آنان را، محاکمه کرد که یکی به ۶ ماه حبس محکوم گردید . ۰۰۰

سربازان و مأموران امنیتی هر زمان بخواهند وارد خانه‌های اعراب می‌شوند.

فلسطینی‌ها دائما در خیابانها متوقف و از آنان شناسنامه مطالبه می‌شود. اگر به فعالیت سیاسی کسی مشکوک شوند یا در خانهاش تحت نظر می‌گیرند یا او را از خروج از شهر یا ده خود ممنوع می‌نمایند. اعراب را تا ۶ ماه بدون محاکمه می‌توانند توقیف کنند و با این سوءظن که یکی از افراد خانواده به فعالیت " تروریستی (۳) پرداخته خانه را با بمب ویران می‌سازند. اعراب را به بهانه دهها جرم می‌توان توقیف کرد: منجمله‌برافراشتن پرچم فلسطین، خواندن کتابهای " مربوطه براندازی"، مصاحبه مطبوعاتی بدون اجازه...

هر روزه ۵۰ هزار نفر از نواحی نوار غزه و ۵۰ هزار از ساحل غربی برای کار به اسرائیل می‌روند که در آنجا، گرچه مزدها بالاتر از مناطق اشغالی است ولی باز به نصف دستمزد کارگران اسرائیلی نمی‌رسد. اعراب عموماً کارگران ساده هستند که به‌خصوص در امور ساختمانی کار می‌کنند. رستورانها و خیابانها را تمیز می‌کنند، در رستورانها خدمت می‌کنند و چرخ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را به حرکت در می‌آورند.

برای اسرائیل در دست نگه داشتن سرزمینهای اشغالی، مفهوم اقتصادی دارند. اسرائیل سال ۱۹۸۲ در غزه و ساحل غربی ۲۴۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد و در همین سال ۳۹۶ میلیون دلار بعنوان مالیات از این مناطق پس گرفت. وابستگی اقتصادی این مناطق به اسرائیل، فقط خشم مردم این ناحیه را علیه اسرائیل

موجب شده است ۰ در غزه ۷۰ درصد اهالی ۴۰ سال است که در اردوگاه‌های پناهندگان بسر می‌برند ۰ برخی از نوجوانان این اردوگاهها، برای کسب حداقل مزد، در اسرائیل کار می‌کنند و بقیه یا بیگارند یا هنوز نمی‌توانند کار کنند ۰۰

پاورقیها:

(۱) دادن لیست انتخابات، شهرداریها از طرف ساف، در آن زمان از طرف برخی نیروها، اقدامی راستروانه ارزیابی شد ۰ م ۰

(۲) سه نفر تبعید شدند و یک نفر دیگر بنام بسام الشککه مورد سوء قصد قرار گرفت و

یک پای خود را از دست داد ۰ م ۴

(۳) اینکه تایم کلمه تروریستی را در گیومه گذاشته خود نتیجه مبارزه این مردم است ۰

م

چرا ساف برای ما حیاتی است؟

آنچه در زیر می خوانید بخشی است از سخنرانی اخیر دکتر جرج حبش، رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین مندرج در مجله الهدف ۴ ژانویه ۸۸. این سخنرانی بمناسبت بیستمین سال آغاز فعالیت این جبهه ایراد شده است. این جبهه بزرگترین سازمان فلسطینی پس از الفتح بوده و همواره در قبال خط مشی سیاسی که یاسر عرفات، رهبر سازمان آزاد بیخش فلسطین آنرا نمایندگی می کند موضع انتقادی داشته بی آنکه اهمیت وجود سازمان آزاد بیخش فلسطین و وحدت فلسطینی ها در برابر دشمن مشترک بر اساس برنامه های د مکرانیک و انقلابی را از یاد ببرد. ما ترجمه این قسمت از سخنرانی یک رهبر فلسطینی که در اپوزیسیون عرفات قرار دارد را جهت اطلاع خوانندگان می آوریم که حمایت از مبارزه مردم فلسطین و حمایت از سازمان آزاد بیخش فلسطین را الزاماً بمعنی حمایت از هر اقدامی که توسط رهبر ساف (یاسر عرفات) صورت می گیرد و تلقی می کنند، ما در این باره معتقدیم که آنچه در اینجا مهم است حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و آزادی آنها در تصمیمی است که برای خویش می گیرند و حمایت از این مبارزه که قبل از هر کس وظیفه کمونیستهاست. بدون اینکه این حمایت راه را بر طرح نظر یا انتقاد به این یا آن سیاست ببندد.

منظور ما از آوردن قسمتی از سخنرانی جرج حبش، صرفاً ارائه سندی -
است از اپوزیسیون د رونی جنبش مقاومت فلسطین و جایگاه ساف در این مبارزه،
اینک ترجمه :

" رفقا، همه میدانید که پس از خروج کادرهای رهبری از بیروت در سال ۱۹۸۲ چه شرایط سختی بر انقلاب ما گذشت و متأسفانه برخی از عناصر رهبری گمان کردند که میتوان از طریق راه حلهای امریکائی و امپریالیستی برای قضیه فلسطین راه حلی پیدا کرد . شما میدانید که ما در برابر این خط سیاسی فریاد زدیم که اتکاء به راه -
حلهای امپریالیستی نمایند ه اراده خلاق ما نیست و خط سیاسی سازمان آزاد بیخوش
را نمایندگی نمی کند .

هنگامیکه توافق عمان (بین ملك حسین و یاسر عرفات) امضاشد نیز فریاد
زدیم که هرکس چنین خط سیاسی را دنبال کند اراده ملت ما و خط سیاسی ای که
فلسطینیها بر اساس تجربه طولانی و تلخ خود پذیرفته اند نمایندگی نمی کند .
بعداً آن افراد دیدند که راه حلهای امریکائی به بن بست انجامیده
و هیچ دستاوردی نه برای ملت ما و نه حتی برای خود آنان ندارد .

ما که بخوبی میدانستیم که دشمنان ما چه صهیونیستها، چه امپریالیستها،
خواستار از هم گسیختن و نابودی سازمان آزاد بیخوش فلسطین هستند در همان
زمان گفتیم که سخنرانی ملك حسین در ۱۹ فوریه ۸۶ (دائر بر معلق کردن همکاری با
ساف) شرایط عینی جدیدی پدید آورد که از آن باید استفاده کرد و وحدت ساف را،

مجدداً^۱ تحقق بخشید. (جبهه خلق رهبری جرح حبش در آن زمان با اعتراض از ساف خارج شده بود ولی بعداً^۲ کوشید به آن بازگردد که سرانجام با تدارك فراوانی که صورت گرفت در اجلاس مجلس ملی فلسطین در الجزایر آوریل ۱۹۸۷، اکثریت — معترضین به یاسر عرفات د و باره به سازمان آزاد بیخس باز گشتند . این وحدت و برنامه سیاسی مرحلہای و انتخاب مسؤولین — منجمله انتخاب مجد د عرفات به رهبری سازمان آزاد بیخس — با شرکت نمایندگان مردم فلسطین از داخل و خارج و وابستگان — سازمانهای مختلف و افراد مستقل و سندیگاہا، بتصویب رسید . م)

وظایف ما پس از تجدید وحدت

خوشوقتیم که سالگرد آغاز فعالیت جبهه ما ن را پس از تحقق وحدت ساف جشن می گیریم . سوالی که پس از تجدید وحدت پیش روی ما قرارگرفت این بود که اکنون وظیفه ما چیست و حلقه اصلی فعالیت ما: چه باید باشد ؟ پاسخ ما: آشکارا، این بود که حلقه اصلی همچنان متعلق است به ساف و ضرورت تعمیق و تحکیم وحدت، آن . ما در جبهه خلق برای آزادی فلسطین معتقدیم که از زمان انعقاد مجلس ملی تا اکنون و تا ماهها و چه بسا سالهای آینده شعار ما باید تعمیق و تحکیم وحدت ساف باشد . چرا؟ دلیل آن ساده است و آن اینکه ما به سازمان آزاد بیخس فلسطین صرفاً بعنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین (چه در عرصه بین المللی و چه در دنیای عرب چه در رابطه با دولتها و چه در رابطه با مردم) نگاه نمی کنیم بلکه از این فراتر

ما بعنوان فلسطینی و اعضای جبهه خلق حق داریم که ساف را بعنوان وسیله حقیقی
 آزادی فلسطین بشناسیم . هرکس دشمن صهیونیست را بخوبی بشناسد و طمعهای
 توسعه طلبانه آن مبنی بر تورات را بداند ، هرکس به غنائم اقتصادی ای که اسرائیل
 از اشغال ساحل غربی و غزه بدست میآورد آگاه باشد ، هرکس که همبستگی موجود
 بین اسرائیل و صهیونیسم و امپریالیسم (و در رأس آن امریکا) را بشناسد میدانند
 که پروسه آزادی سرزمین فلسطین و پروسه استیفای حق ما در تعیین سرنوشت
 و استقرار دولت مستقل فلسطین - علیرغم پیشرفت زیادی که تاکنون توانستیم در
 عرصه عربی و بین المللی در برسمیت شناختن حقوقمان کسب کنیم - جز با مبارزه
 هر چه بیشتر امکانپذیر نخواهد بود زیرا چنین مبارزهای تنها از عهدہ یک جبهه
 ملی حقیقی که عبارت است از سازمان آزاد ییخس فلسطین برمی آید .

ما از اعضای جبهه خلق و از توده های فلسطینی نمی خواهیم که پس از تحقق
 وحدت ملی مان در الجزایر آسوده بخوابند . این اشتباه است . ما باید بـ
 مبارزه ، مبارزهای عمیق ادامه دهیم تا ساف بصورت ابزار واقعی آزادی فلسطین
 در آید

میلاد دولت مستقیم فلسطین

ملت فلسطین در راهیهای دراز خود بسوی رهائی ملی مرحله‌ای مهم را پشت سر گذارد و هویت مستقل خویش را که از ۴۰ سال پیش مورد انکار و توطئه سکوت قرار گرفته بود، سرانجام از تریبون مجلس ملی فلسطین (پارلمان در تبعید) به جهانیان اعلام کرد. این دستاورد بزرگد هفتاد سال مبارزه بی‌گیر و بی‌امان در عرصه‌های مختلف مبارزاتی: سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و مخفی است. تقنوس فلسطین که از سالهای اول این قرن در آتش تهاجم و توطئه امپریالیستی میسخت، سرانجام در خاکستر خود به بیضه نشست و آنطور که در بیانیه تشکیل این دولت آمده "باتکا" حق طبیعی و تاریخی و قانونی ملت عرب فلسطین در وطنش فلسطین و فداکاریهای نسلهای بیایی خود در دفاع از آزادی میهن و استقلال آن، میلاد دولت مستقل فلسطین را بعنوان یک پله ضروری برای تحقق حق تعیین سرنوشت خود، جشن گرفت.

دوازده ماه مبارزه توده‌ای با سازماندهی حیرت‌انگیز کمیته‌های خلقی در داخل سرزمینهای اشغالی که اسرائیل و پشتیبانان بین‌المللی‌اش را شدیداً تحت فشار قرار داد و افشا کرد و افکار عمومی جهانی را در حد بسیار قابل توجهی به حقانیت و عدالت قضیه فلسطین آشنا نمود، به جنبش مقاومت نیروی بیش از هر زمان دیگر بخشید و رهبری این جنبش (سازمان آزاد بیخش فلسطین) میبایست و توانست از این توان انقلابی توده‌ای استفاده کند. دوازده ماه قیام یکپارچه این ملت نه تنها ماسک دموکراسی را از چهره دشمن بدور افکند، نه تنها انکار و اعتماد دیرین مردم به کمک رژیمهای عربی را از بین برد و فلسطینی‌ها را بیش از پیش روی باهای خویش استوار ساخت، نه تنها سوداگران "آزادی‌قدس" و لافزنان ارتجاع عربی و مذهبی امثال رژیم حافظ اسد و خمینی را خلع سلاح کرد بلکه در صفوف خود جنبش مقاومت نیز التیامی کم نظیر و وحدتی چشمگیر موجب گشت.

سازمان آزاد بیخش فلسطین پس از خروج از لبنان و ضرباتی که بویژه از سوریه خورد، چنان نیروهایش فرسوده و برانگنده شده بود که اگر قیام مردم سرزمینهای اشغالی نبود، چه بسا این جنبش با همه پشتوانه مبارزاتی‌ش رو به ضعف بیشتر میگذاشت. قیام موجب شد که ابتدا اتحادیه‌های توده‌ای و سپس سازمانهای سیاسی دوباره متحد شوند و زیر چتر سازمان آزاد بیخش فلسطین گرد آیند. ادامه قیام و حماسه زنان و مردان بویژه "کودکان سنگانداز" جنبش‌رهائی بخش فلسطین را سر بلند کرد، هویت ضروری ملی را جایگزین یأس و برانگندگی نمود و در عرصه جهانی بیدار کردن راحلی برای قضیه فلسطین مسأله روز شد.

اگر دوستان مردم فلسطین برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر مبارزه و حمایت از آن تلاش کردند دشمنان هم برای خفه کردن و محدود و خنثی کردن آن کوشیدند. ملک حسین هم در نتیجه قیام مجبور شد ادعای مالکیت ساحل غری را کنار بگذارد و رسماً دست از دخالت در امور فلسطینیها و ادعای نمایندگی آنها بردارد. خلاصه حقوقی که پس از این اقدام در ساحل غری بوجود آمد وظیفه‌ای را برگردن صاف میگذاشت تا هرچه زودتر وشایسته تر آن خلاصه را برکند. یکی از خواسته‌های سریع مردم سرزمینهای اشغالی همین بود. در برتو این جریان خروشنده مبارزاتی و اعتدالی-انقلابی در درون سرزمینهای اشغالی صاف روزهای بمراتب سنگین‌تر از پیش یافت و مجلس ملی فلسطین توانست با ارزیابی عینی از موقعیت ملی، عربی و بین‌المللی قضیه فلسطین و تصمیم مهم زیر را اتخاذ کند:

اولاً - تشکیل دولت فلسطین پس از مطالعات و بحثهای بسیار در ساعت ۱ بامداد روز ۱۰ نوامبر

از تریبون مجلس ملی فلسطین و بزبان یا سرعزفات رئیس کمیته اجرائی ساف اعلام گردید . این تصمیم باتفاق آراء توسط بیش از ۳۰۰ تن از نمایندگان مردم فلسطین اتخاذ شده بود . بر اساس این بیانیه ، « بابتختن این دولت اورشلیم (قدس) ، نظام آن دمکراسی پارلمانی و براساس آزادی عقیده ، آزادی تشکیل احزاب ، رعایت حقوق اقلیت از طرف اکثریت و احترام رأی اکثریت از طرف اقلیت و نیز بر عدالت اجتماعی و رفع هرگونه تبعیض در حقوق عمومی مبنی بر نژاد ، دین ، رنگ یا جنس خواهد بود » بیانیه می افزاید که « دولت فلسطین منشسور جامعه دول عربی ، منشور ملل متحد و اهداف آن ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعهدات مربوط به آن و نیز اصول عدم تعهد را مبنای کار خود قرار میدهد » .

ثانیاً - قطعنامه سیاسی (واتکنیکی) که مربوط به بروسه صلح در خاورمیانه می باشد . در این مصوبه ، مجلس ملی فلسطین با اکثریت آراء (۲۵۳ رأی موافق ، ۴۶ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع) قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت با اضافه تضمین حق تعیین سرنوشت را مبنائی برای مذاکره در یک کنفرانس بین المللی زیر نظر سازمان ملل متحد اعلام مینماید تا کلیه طرفهای درگیر منجمله ساف در آن با حق مساوی شرکت جویند . مجلس ملی فلسطین که از پشتیبانی کامل مردم مبارزو درگیر سرزمینهای اشغالی و رهبری متحد قیام در داخل بر سر خود دار است با توجه به همه تحولاتی که در ۴۰ سال گذشته بوجود آمده و با توازن قوای بین المللی موجود ، بنفع ملت فلسطین تشخیص داده است که در چنین کنفرانسی شرکت جوید و از آن بعنوان مرحله ای برای رهائی ملی استفاده کند . شرکت در کنفرانس بین المللی مورد اعتراض هیچکس نبوده و کسانی که رأی مخالف دادند اند (منجمله جبهه خلق برهبری جرج حبش) معتقد بوده اند که پذیرش قطعنامه ۲۴۲ برسمیت شناختن موجود اسرائیل را نیز بطور ضمنی در بر دارد نباید هم اکنون که تشکیل کنفرانس قطعی و مسلم نیست چنین امتیازی به دشمن داده شود . با وجود این جرج حبش تأکید میکند که علیرغم این مخالفت از مجموعه واحدی که ساف نامیده میشود خارج نخواهد شد و برای او شعار معروف "انقلاب تا بیروزی" تبدیل به شعار "وحدت تا بیروز" شده است . (لوموند ۱۶ نوامبر) بحثهای زیادی بین خود فلسطینیها بر سر قبول یا رد این دو قطعنامه - ملل متحد در گرفته و ممکن است تحولات آتی نظر موافقین یا مخالفین این تاکتیک را ثابت کند . واقعیت این است که در سطح کنونی مباحثات هموارن وحدت بین کلیه جناحهای حاضر در مجلس ملی بسیار بیش از موارد اختلاف آنهاست . این امر بویژه از آنجا ناشی میشود که اهمیت مسأله زمین (وطن) بصورت تاریخی ، همه مسائل را تحت الشعاع خود قرار داده است و در صورت حل این مسأله شاهد رشد سریع و همه جانبه نظری در درون خلق فلسطین خواهیم بود . بویژه اگر وجه توده ای مبارزات داخل سرزمینهای اشغالی را در نظر داشته باشیم که نیروهای جوان و مبارزان نوع دیگری را وارد صحنه میسازد ، نیروهایی که بی تردید آینده از آن آنهاست . از همینجاست که فلسطین تا سالهای سال بشکله با رویت انقلاب در خاورمیانه خواهد ماند آنچه در اینجا برای ما مهم و اساسی است احترام به تصمیم دمکراتیکی است که این ملت و نمایندگان آن در مورد سرنوشت خود اتخاذ کرده اند . این تصمیمات بویژه تشکیل دولت مورد استقبال وسیع مردم سرزمینهای اشغالی قرار گرفت و آنها علیرغم اعمال حکومت نظامی شدید که از ۱۹۶۷ بیعده پیسابقه بوده ، هزاران برچم فلسطین را در آسمان فلسطین به اهتزاز در آوردند و با شغشه های آتشباری و با یکوسی شادمانی خود را در زیر سر نیزه های اسرائیلی ابراز داشتند .

ماکه در غمها ورنجهای فلسطینیها همواره خود را شریک دانسته ایم خود را در این شادی آنها نیز شریک میدانیم و امید داریم که آنها راه بر سنگلاخ و مین کاری شده رهائی ملی را بر اساس اراده مستقل خود - شان پیش از پیش پشت سر بگذارند و راه را برای مبارزات آتی خویش هموارتر سازند . شادی خلق ستمدیده و مبارز فلسطین مایه شادمانی ماست .
زنده باد مبارزه رهائی بخش فلسطین

دانشجویان ایرانی در فرانسه - هوادار سابق سازمان بیکار

۱۷ نوامبر ۱۹۸۸

سکوت *

از: سالم جبران (شاعر فلسطینی)

از اطاق بغیل دستی
صدا ی فریاد جنون آوری بگوش میرسید
شاید فریاد جنون آور یک زندانی است
شاید نوار است اما مسلماً
ساخت اسرائیل .
چند لحظه فکر کرد و تصمیم گرفت :
همه شکجه‌ها که میچشم
در این روزها
ضروری است
بیمار ضروری است
تا شکجه سختتر را نجشم
شکجه خیانت !
پاهایش شیکته بود
دستهایش حس نداشت
چشمهایش
لحظه‌ای بنظرش رسید که مثل خمیر بدیوار چسبیده اند .
خواست فریاد بکشد
اما بخود گفت :

* یا بگفته شاملو : سکوت سرشار از ناگفته هاست .م.

شلاق، پخیز و ساکت باش ، مصطفی

تا عشق دردهای تو را احساس نکنند !

به زنت فاطمه اندیشید :

برای آنکه هرگز موجب سرافکندگی تو نباشم ، فاطمه

هرگز خیانت نخواهم کرد !

بسه مادرش اندیشید :

برای آنکه هرگز موجب سرافکندگی تو نباشم مادر

هرگز خیانت نخواهم کرد !

به دخترک هشت ماهه خود رانیه اندیشید :

رانیه برای آنکه موجب سرافکندگی تو و قتی بزرگ شدی نباشم

هرگز خیانت نخواهم کرد !

بسه پدرش ، به سه برادرش ، به خواهرش

به همسایگانش ، به دانش آموزانش

به همکاران و دوستان ، در دبیرستان و در دانشگاه اندیشید :

برای آنکه هرگز موجب سرافکندگی شما نباشم

هرگز خیانت نخواهم کرد !

به برادرش ، صلاح ، که قبرش نامعلوم است اندیشید :

صلاح ! من برادرت هستم

بسه درخت توت بزرگی که جلوی خانه پدرش بود اندیشید :

در زیر سایه تو در آغاز جوانی آرزو کردم

که به همین خدمت کنم

برای آنکه نگوئی : قول دادی و وفا نکردی

هرگز خیانت نخواهم کرد !
 مصطفی در زیر شکنجه احساس میکرد
 که خلق خویش را یکی یکی می شناسد
 حتی آنان که هنوز زاده نشده‌اند می شناسد !
 به یکی یکی آنها گفت :
 اگر اندکی نگران زندگی من باشید ، باکی نیست
 ولی هرگز نگران شرافت من نباشید
 من هرگز خیانت نخواهم کرد !
 در سکوت ، مصطفی با خود پشیمان بست
 که با سلاح سکوت با شکنجه بچنگد
 که با سلاح سکوت با آدمکشان نبرد کند .

x x x x x

با سلاح سکوت ،
 که همه قهرمانان و سربازان آزادی وقتی بچنگال آدمکشان
 حرفه ای تجاوز کار میافتند ، بدان مسلحند ،
 مصطفی نیز مسلح شد .
 مصطفی طناب سکوت را هرگز رها نکرد
 مگر آنگاه که فریاد آزادی خلق را
 پیش از آخرین نفس ، سر داد .

